



به چشمانت هزاران راز داری  
به ابرو عشوه و صد ناز داری  
تو گویی که همیشه در نگاهت  
قشونی مرد تیرانداز داری

منصور چراغی

دستم به ماه می‌رسد  
نردبان شکسته را  
بهانه می‌کنم.  
\*\*\* \*\*  
من غرق خواهم شد  
و کسی نخواهد گفت  
که بالای چشمت ابروست



زینب فرجی



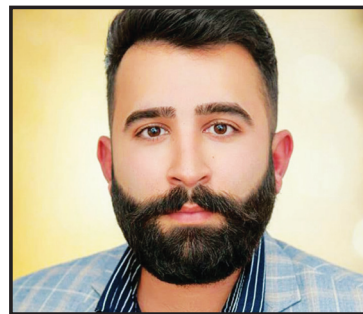
خاطره محقق

مشت‌هایم را پر کردم  
از خونی که از دهان غروب  
می‌چکید  
و شب بی آنکه درنگ کرده باشد  
چادر کشید روی سرم  
از سایه‌های مسکوت  
به میان شاخسارانی خزیدم  
که در نسیان فصلها  
غوطه ور بودند  
کولاک بود و چشمه‌هایت  
ومن  
با بریده‌های نفسم  
که ستاره‌ها را  
بر گونه شب سجاج می‌کردم



سیمین بابائی

گلدان خالی از گلم / با آسمان قهرم  
تنهاترین / پس کوجه بن بست این شهرم  
افسانه باران شده / اندیشه خاکم  
چون قلوه سنگ ریز باقیمانده از نهرم  
با برگ خشک پای گلدان / حرف‌ها دارم  
آرامشم را از شب باران / طلبکارم  
در خواب‌هایم هیچ برگی جان نمی‌گیرد  
محصور کابوسی چنین / تا صبح بیدارم  
یک قصه تکراری‌ام / یک راز پوسیده  
خاکی که بذر عشق / در جانش نروئیده  
گلدان متروکی / که در یاگرد دل‌تنگی  
غیر از زمستان / حال و روزش را نپرسیده  
بی سایه تر از باد / می‌پیچی به تن پوشم  
چون گور بی نام و نشانی / سرد و خاموشم  
از فصل‌ها در دل ندارم انتظاری / چون  
حتی خزان دیگر / نمی‌آید به آغوشم!



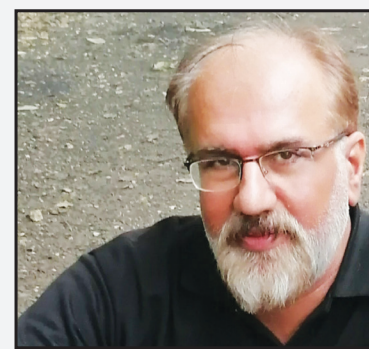
به قلم علی باقرزاده

تو را فراموش کرده‌ام  
اما یادم می‌آید  
همیشه همه چیز را برای تو می‌خواستم...  
میدانم  
از دست رفتنت ساده بود  
اما از قلب رفتنت هرگز...  
پس از رفتنت  
روزها و شب‌هایم چیزی کم دارند  
شب‌هایم خواب را  
روزهایم خنده را  
دستانم دستانت را  
چشمانم چشمانت را  
شانه‌هایم گریه‌هایت  
و قلبم گرمای بودنت را...  
خودم را فراموش کرده‌ام...  
سال‌هاست که من انگار  
در نگاه آبی دریا گم شده‌ام  
و آسمان  
خاطره بودنم را فراموش کرده است  
دیگر هیچ وقت چلچله‌ها  
صدای مرا به خاطر نخواهند آورد  
دیگر نجوای من  
دل سکوت را نخواهد شکست  
اما رد شور سکوت من  
روی شن‌های شاعرانه ساحل  
باقی خواهد ماند...



زهرا دلشاد

چی تو چشمت داری  
که باهاتش درگیرم  
مثل فصلی تازه  
رو به یه تغییرم  
کاش بدونی چشمت  
مٹ اقیانوسه  
پیچ و تاب موهات  
جاده چالوسه  
مثل تیترا اخبار  
پر شور و حالی  
مثل حس بارون  
نیمکتای خالی  
تو ازم دور نشو  
نگو بی خیالمی  
تو فقط یه بار بگو  
که به فکر حالمی  
دنیای من بی تو  
شبیه کابوسه  
وقتی پیشم باشی  
حال من مخصوصه  
تا تو رو می‌بینم  
دل‌مو می‌بازم  
لحظه‌های خوبو  
پیش تو می‌سازم



مهرداد پیرامون

\*این قصه سالها\*  
\*با نقش‌های سرخ و سبز\*  
\*بر پرده‌های سیاهست\*

\*اسب سفید\*

\*هنوز پرسه می‌زند\*

\*تنها...\*

\*اشک می‌ریزد هنوز\*

\*به بغض\*

\*در آینه‌ها\*

\*تا بیرق سفید\*

\*چشم سیاهی می‌رود\*

\*تا آرامش زمین\*

\*چند تیغ آفتاب مانده است؟!\*

\*چند دشت لاله زار...!!\*  
\*راز آن چشمه تشنه\*

\*راز آن چشمه تشنه\*

\*تشنه زلالی پرده‌هاست\*

\*شعرم برای اوست\*

\*در گوش اما صدای طبل\*

\*در چشم اما غبار و خاک\*

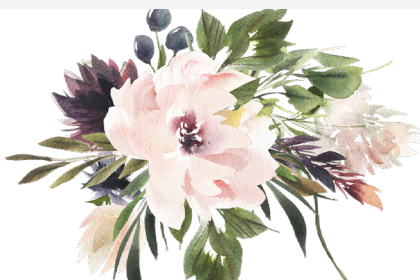
\*آن اسب...\*

\*با اسب‌های تشنه می‌دود\*

\*آن تک سوار شهر\*

\*شعری شده فقط\*

\*در شور و شروه‌ها\*



منتظر داستان و اشعار شما هستیم

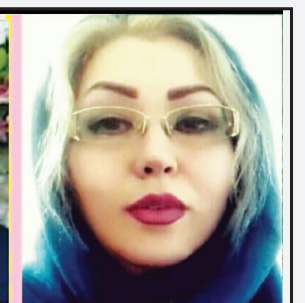
لطفاً مطالب خود را با درج شماره تلفن به دفتر روزنامه یا آدرس الکترونیکی ذیل ارسال نمایید. ضمناً روزنامه در ویرایش مطالب ارسالی، آزاد است و مطالب ارسالی برگشت داده نمی‌شود.

toloudaily@gmail.com

کارشناس (این شماره) سرویس ادبی-هنری: محمود شیربازو

The ivy flower of my body  
payed a visit on the  
neighbor's wall expecting  
your arrival!  
And my stems were  
growing tall to wrap  
around the waited alley!!

پیچک یاس تنم  
سرک می‌کشید  
روی دیوار همسایه  
به خیال آمدنت  
و ساقه‌هایم  
قد می‌کشیدند  
تا بیچند بر تن منتظر کوچه



مهری چراغی (موزان)  
مترجم: محمود شیربازو